

نگارشات ساختاری به سوره‌های قرآن رهیافتی نو در تفسیر

اشاره:

نظریه وحدت موضوعی و نگاه هندسی به ساختار

سوره‌های قرآن، چندی است که در میان مفسران و محققان علوم

قرآنی جای خود را باز کرده و اخیراً کتاب‌هایی در این زمینه و حتی تفاسیری بر این اساس به

نگارش در آمده است. در این نوشتار از میان این تالیفات متعدد، یک مقاله به زبان انگلیسی، دو کتاب به زبان

عربی و یک کتاب به زبان فارسی به تفصیل معرفی شده و به برخی دیگر به اختصار اشاره شده است.

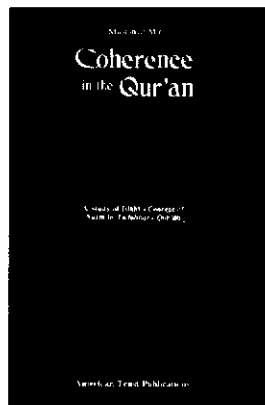
• مهرداد عباسی

که در حال حاضر استاد دانشگاه یانگستاون آمریکاست، پژوهش‌های فراوانی در این زمینه به انجام رسانده است. موضوع رساله دکتری وی که در ۱۹۸۳ م. در دانشگاه میشیگان آمریکا از آن دفاع کرد و پس از تجدید نظر در ۱۹۸۶ م. با عنوان «نظم و انسجام در قرآن» به چاپ رساند، بررسی مفهوم نظم در تفسیر تدبر قرآن مرحوم امین احسن اصلاحی عالم پاکستانی بود. دکتر میر پس از به پایان رساندن رساله، چندمقاله درباره این موضوع، که ظاهراً از دغدغه‌های اصلی پژوهشی او بوده است در مجلات غربی منتشر ساخت. از جمله: «مفهوم زوج بودن سوره‌ها در نگاه

تفاسیر قرآن در قرن بیستم با تفاسیر سنتی که قرن‌ها در جوامع اسلامی متداول بود، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. یکی از جلوه‌های این تفاوت، پدید آمدن نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها و سخن گفتن از ساختار هندسی هر سوره در پرتو بحث از تناسب و ارتباط بین آیات قرآن است. در میان علوم قرآنی، علم مناسبت دارای پیشینه‌ای کهن است و طرح نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها در کتب کلاسیک علوم قرآن ریشه دارد؛ چنانکه در البرهان زرکشی و الاتقان سیوطی فصل‌های مستقلی به این مبحث اختصاص یافته است. اما مهم آن است که دیدگاه وحدت مضمونی و ساختار هندسی سوره‌ها در تفاسیر جدید کمابیش جای خود را باز کرده و مفسران بیش از پیش به آن تمایل نشان داده‌اند.

دیدگاه وحدت مضمونی سوره‌ها: مقاله مستنصر میر

در میان محققان معاصر، قرآن پژوه پاکستانی دکتر مستنصر میر،



مفسران در بیان معنای آیات قرآن بسیار مختلف و متفاوت است، این احتمال مطرح شده که دیدگاه وحدت مضمون سوره‌ها، در صورت مقبولیت و گسترش یافتن، می‌تواند پایانی بر این تفاسیر متشتت باشد و تفسیر قابل اعتماد و ثمر بخش‌تری از قرآن را در اختیار بگذارد. مولف در بخش چهارم و پایانی مقاله آورده است: «اگر چه این نظریه جایگاه خوبی پیدا کرده و دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت، اما

هنوز به طور کامل راه خود را نیافته و سرانجام آن روشن نیست. آیا صرفاً به صورت گرایشی ناشناخته باقی خواهد ماند یا به جریانی جدی و مهم در تفسیر بدل خواهد شد؟» وی در پایان، هدف خود از نگارش مقاله را این دانسته که محققان اسلامی و غربی را به گفتگو درباره این موضوع جدید و قرن بیستمی در تفسیر قرآن وادارد.

روش ساختاری در تفسیر قرآن: تفسیر محمود بستانی

در میان محققان معتقد به نظم ساختاری سوره‌های قرآن، علاوه بر دکتر مستنصر میر که آثار خود را به زبان انگلیسی می‌نویسد، باید از محقق عراقی، دکتر محمود بستانی یاد کرد که بخش مهمی از پژوهش و تالیفاتش را موضوعات ادبی - قرآنی تشکیل می‌دهد.

وی در ۱۹۳۷ م. در نجف متولد شد. فوق لیسانس خود را در ۱۹۶۹ م. از دانشکده دارالعلوم قاهره دریافت کرد و در ۱۹۷۳ م. در رشته بلاغت و نقد ادبی از همان دانشکده درجه دکتری گرفت. در میان آثار متعدد دکتر بستانی چند کتاب موضوعی کاملاً قرآنی دارد از جمله:

فی التعبير القرآنی (بیروت ۱۹۸۰ م.)، دراسات فنیه فی قصص القرآن (بیروت ۱۹۸۷ م.)، المنهج البنائی فی التفسیر (بیروت ۲۰۰۱ م.).

دکتر محمود بستانی، روشی با نام «المنهج البنائی» (روش ساختاری / ساختمان‌ی) را در تفسیر قرآن به کار گرفته است. این روش بر بررسی هر یک از سوره قرآن بر اساس ساختمان هندسی کلی آن مبتنی است. به گونه‌ای که هر سوره در پرتو ارتباط آیات آن با یکدیگر و دنبال هم قرار گرفتن موضوعات و عناصر بلاغی و ادبی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به گفته خود او فکر ارائه تفسیری از قرآن به این روش از حدود ۳۵ سال پیش در ذهن وی شکل گرفته بود و پس از انتشار چند مقاله در این باب و تدریس این روش در دانشگاه، تفسیر ساختاری سوره بقره را در ۱۹۸۰ م. به دست چاپ سپرد. در ۱۹۹۵ م. مقاله‌ای با عنوان «المنهج البنائی أو العضوی فی تفسیر القرآن الکریم»^۲ نوشت و در آن به تبیین روش و بیان انگیزه‌ها و مبانی

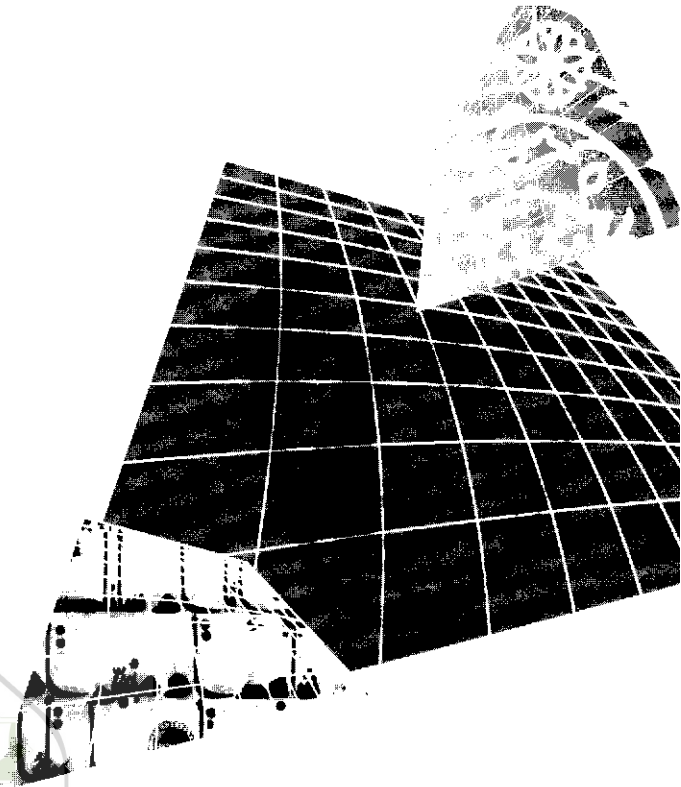
امین احسن اصلاحی» (۱۹۸۳ م): «دیدگاه امین احسن اصلاحی در باب دسته بندی سوره‌ها» (۱۹۸۴ م)؛ و «آیا قرآن کتابی در هم ریخته و بی‌شکل است؟» (۱۹۹۲ م). در نهایت وی در ۱۹۹۳ م. مقاله‌ای با عنوان «وحدت مضمونی سوره: تحولی قرن بیستمی در تفسیر قرآن»^۳ نوشت و کوشید تا از این طریق اهمیت بحث حاضر را در تفسیر قرآن نشان دهد.

مقاله اخیر مستنصر میر از چهار بخش اصلی تشکیل شده است: در بخش نخست وی زمینه تاریخی مختصری از علم مناسبت و آرای موافق و مخالف مفسران قدیم و سنتی را درباره ارتباط بین آیات و سوره قرآن مطرح ساخته است. در بخش دوم گزارشی توصیفی از جنبه‌های مختلف این موضوع ارائه کرده و به معرفی برخی مفسران پرداخته است که به وحدت مضمونی سوره‌ها معتقد بوده‌اند. مفسرانی چون: اشرف علی ثنوی (۱۸۶۳-۱۹۴۳ م.)، حمید الدین فراهی (۱۸۶۳-۱۹۳۰ م) و امین احسن اصلاحی (۱۹۰۶-۱۹۹۷) از شبه قاره که تفاسیر آنان به زبان اردو است؛ محمد عزت دروزه (۱۸۸۸-۱۹۸۴ م) از فلسطین، سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶ م) از مصر؛ و

محمد حسین طباطبایی (۱۹۰۳-۱۹۸۱ م) از ایران که تفاسیر آنها به زبان عربی است. وی از اصطلاحات مختلفی که این مفسران برای بیان دیدگاه خود استفاده می‌کنند، نظیر محور سوره، غرض سوره و عمود سوره یاد کرده و شواهدی از تفاسیر آنان را عرضه کرده است.

بخش سوم این مقاله به تجزیه و تحلیل این دیدگاه در قالب چهار نکته اختصاص دارد. نکته اول اینکه مفسران قائل به این نظریه از مناطق مختلف اسلامی برخاسته و تحت تاثیر یکدیگر نبوده‌اند که این خود نشان از اصالت و ریشه دار بودن این دیدگاه در میان دانشمندان اسلامی دارد. با وجود این، اشتراکاتی در روش‌های آنان به چشم می‌خورد. نظیر اینکه همه آنان رویکردی تحلیلی - ترکیبی به موضوع داشته‌اند یعنی با تقسیم سوره به بخش‌ها و دسته آیات مختلف سعی کرده‌اند بین آنها ارتباط برقرار کنند که البته همه آنان در دستیابی به این هدف به یک اندازه موفق نداشته‌اند. دوم آنکه این دیدگاه حاصل اندیشه مفسران مسلمان است و هیچگونه تاثیر پذیری مستقیمی از مطالعات قرآنی غربی در آن دیده نمی‌شود. اگر چه شاید بتوان گفت مدرنیته به طور غیرمستقیم شرایطی را به وجود آورده که در آن اعمال چنین دیدگاهی در قرآن ممکن و حتی لازم شده است. در نکته سوم به این سؤال پاسخ داده شده که آیا نظریه وحدت مضمون سوره‌ها و ایجاد ارتباط بین دسته آیات یک سوره، فقط نظریه‌ای زیبا شناختی است یا به فهم و تفسیر قرآن کمک می‌کند و می‌تواند روشی جدید در مطالعه قرآن به وجود آورد؟ در چهارمین نکته با بیان این واقعیت که آرای





معاون ارائه کرده است. وجه تسمیه تفسیر بنائی (ساختاری)، آن است که مفسر در این روش می‌کوشد از طریق کشف روابط آشکار و نهان بین اجزای سوره و درهم تنیدگی‌ها و هماهنگی‌های مقاطع مختلف سوره، ساختمان بیکر هر سوره را بشناساند که در نتیجه هر سوره قرآن به واحدی کامل و مستقل از جهت شکلی و معنایی تبدیل خواهد شد.

سؤال مهم ایجاد شده برای مؤلف این اثر که وی را به تلاش و تفکر واداشته این بوده که چرا قرآن مکتوب و حاضر، سوره سوره ترتیب یافته است؟ و چرا گروهی از آیات در کنار هم ذیل نام یک سوره قرار گرفته و آیاتی دیگر با ترتیبی متفاوت در سوره‌ای دیگر گرد هم آمده‌اند؟ پاسخ وی به چنین سؤالاتی این بوده که مسلماً آیات متعلق به یک سوره تناسب و ارتباطی با یکدیگر داشته‌اند والا ضرورتی نداشت که پیامبر به کتاب وحی دستور دهد تا فلان آیه را در فلان سوره و در کنار فلان آیه قرار دهند. معنای

این روایات آن است که هر سوره ساختمان و ساختاری مخصوص به خود دارد که با دقت و ظرافت و استحکام بنا شده است. بنابراین نحوه چینش آیات در هر سوره دلیل و حکمتی دارد که همانا برآورده شدن هدفی در آن سوره است. در دستیابی به هدف سوره، علاوه بر محتوا به اسلوب‌های بیانی نظیر تقدیم و تأخیر و تفصیل و اجمال نیز باید توجه داشت. از این رو بررسی



ساختاری سوره‌های قرآن از دو جنبه صورت می‌گیرد: جنبه محتوایی و موضوعی؛ و جنبه ادبی و هنری، بررسی اجزای سوره از منظر هنری به معنای مطالعه عناصر داستانی و موسیقایی و لفظی و ظاهری در آن است که در واقع وجوه ممیز متون ادبی و متون صرفاً علمی به حساب می‌آید و نیز به معنای دخالت دادن این عناصر در برقراری ارتباط بین اجزای سوره و به خدمت گرفتن آنها در فهم مراد و مقصود متن قرآن است. در تفسیر بنائی تلاش بر آن است که این دو جنبه تا حد امکان در کنار هم لحاظ شوند تا از این طریق غرض اصلی سوره هویدا گردد. برای این منظور از زوایای مختلف به یک سوره نگریسته می‌شود:

۱. هدف و موضوع: هر سوره شامل یک یا چند هدف در قالب یک

تفسیری پرداخت. در ۱۹۹۸ م. نشریه قضایا اسلامیة معاصرة، ویژه‌نامه‌ای درباره گرایش جدید در تفسیر قرآن منتشر کرد که شامل مصاحبه‌ای با دکتر بستانی درباره روش نوین تفسیری او بود. وی در این گفت‌وگو به صورتی تفصیلی و گسترده‌تر از مقاله قبلی‌اش، منظور و مقصود خود از این روش را به مخاطبان شناساند و از انتشار زودرس تفسیر خود با نام «عمارة السورة القرآنية» بر مبنای این روش خبر داد. ۳ سال بعد متن این مصاحبه با تغییراتی جزئی در کتابی با نام المنهج البنائي في التفسير به چاپ رسید.

کتاب المنهج البنائي في التفسير تألیف دکتر محمود بستانی در ۲۰۰۱/۱۴۲۲ از سوی انتشارات دارالهادی بیروت به چاپ رسید. این کتاب جزو سری کتاب‌هایی است که از سوی مجله قضایا اسلامیة معاصرة و زیر نظر عبدالجبار رفاعی (سرمدبیر مجله) منتشر می‌شود. شش صفحه نخست کتاب شامل مقدمه‌ای است که رفاعی نوشته و در آن کوشیده تا اهمیت و کارایی این روش را از طریق به تصویر کشیدن سیر پیدایش و رشد مکتب تفسیر ادبی در دوران جدید نشان دهد. وی امین خولی را پایه‌گذار مکتب ادبی جدید دانسته و از کسانی چون بنت‌الشاطی، محمد عبدالله دراز و سید قطب به عنوان حامیان و ادامه‌دهندگان این مکتب نام برده است. وی آثار محمود بستانی را نیز در زمره تالیفات جدید این مکتب تفسیری به شمار آورده است. متن اصلی کتاب از دو بخش اصلی تشکیل شده است. مؤلف در بخش نخست، که متن همان مصاحبه پیش گفته بانذکی تغییر است، اصول و مبانی تفسیری خود را بیان کرده و در بخش دوم نمونه‌هایی عملی از روش خود را از طریق تفسیر سوره‌های بقره و مومنون و مریم و ملک و

یا چند موضوع است.

قرآن است.

۲. شکل: هر سوره دارای یکی از ساختارهای زیر است:

- ساختار افقی: موضوع آغازین سوره همان موضوع پایانی است و در این میان موضوعات متنوعی طرح می‌شود.

- ساختار طولی: سوره با موضوعی آغاز می‌شود و تا پایان با همان ادامه می‌یابد.

- ساختار مقطعی: چند موضوع در سوره طرح می‌شود و هر مقطع با یک یا چند آیه مکرر به اتمام می‌رسد.

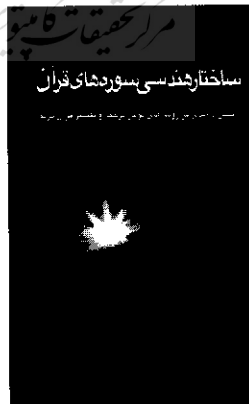
۳. روابط: بین موضوع یا موضوعات هر سوره یکی از روابط زیر برقرار است:

- سببیت: هر موضوع سبب طرح موضوع بعدی است.

- نمو: موضوع سوره به تدریج از مرحله‌ای به مرحله دیگر - مانند گیاه - رشد می‌کند تا اینکه در نهایت کامل می‌شود.

- تجانس: موضوعات طرح شده در سوره، با کمک ابزارهای هنری نظیر داستان و تصویرپردازی و نظم و وزن با اهداف سوره تناسب می‌یابد.

خوشبختانه دکتر محمود بستانی آرای خود را تنها به صورت نظری طرح نکرده و عملاً نیز قرآن را با این روش از ابتدا تا انتها تفسیر کرده است. التفسیر البنائی للقرآن الکریم حاصل نگرش ساختاری وی به سوره‌های قرآن است که از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در پنج جلد (مشهد ۱۳۸۰-۱۳۸۲ ش) منتشر شده است.



ساختار هندسی سوره‌های قرآن

از دیگر کتاب‌هایی که به تازگی

در این باب به زبان فارسی منتشر شده

ساختار هندسی سوره‌های قرآن:

پیش در آمدی بر روش‌های نوین

ترجمه و تفسیر قرآن کریم نوشته

محمدخامه گر است. این کتاب که در

ابتدا پایان نامه کارشناسی ارشد مولف

در رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم بوده، در ۱۳۸۲ از سوی موسسه انتشارات امیر کبیر (شرکت چاپ و نشر بین الملل) به چاپ رسیده است. بنابر آنچه در این کتاب آمده، کاوش‌های جدید قرآن پژوهان نشان می‌دهد آیات هر سوره غرض واحدی را پی می‌گیرد و به خلاف دیدگاهی که آیات قرآن را همچون خطوطی پراکنده و ناموزون می‌بیند، نظمی هندسی بر ساختار سوره‌ها حاکم است. سعی مولف در کتاب بر آن بوده تا دیدگاه‌های پراکنده در این باره را گرد آورد و فرضیه نگرش ساختاری را به یک نظریه سامان یافته علمی مبدل سازد. به گفته مولف، هدف اصلی نوشته او سازماندهی مباحث طرح شده در زمینه ساختار سوره‌های قرآن یا وحدت هدف هر سوره

مطالب این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است: در فصل اول پس از بیان مفهوم ساختار سوره‌ها و تبیین مواضع اختلاف، فواید و کارکردهای ترسیم ساختار هندسی سوره‌های قرآن طرح شده است از جمله: کشف افق‌های جدید در اعجاز قرآن، مقابله با شبهه افکنی‌های خاورشناسان و دفاع از اصول اعتقادی شیعه. در پایان این فصل کلیه آثار تدوین شده در زمینه تناسب آیات و سوره و ساختار هندسی سوره‌ها اعم از تفاسیر، کتب علوم قرآنی و پایان‌نامه‌ها فهرست شده است. فصل دوم به بررسی و نقد آرای موافقان و مخالفان نگرش ساختاری به سوره‌ها اختصاص یافته است. مولف در این فصل با طرح دلایل عقلی و نقلی هر دو گروه موافق و مخالف و ارزیابی آنها در نهایت به رای موافقان این نگرش متمایل شده است. فصل سوم این کتاب که مهم‌ترین بخش آن را تشکیل می‌دهد، «روش‌های کشف اهداف و مقاصد سوره‌ها» نام دارد. به اعتقاد مولف، گفتگو پیرامون اهمیت و آثار شگفت‌انگیز ساختار هندسی سوره‌ها شوق زاید الوصفی را برای کشف غرض سوره‌ها در دل بر می‌انگیزد، اما باید گفت که این مرحله شیرین‌ترین و مشکل‌ترین بخش از کار در این زمینه است. وی با نقل قول از محققان قدیم و جدید نشان داده که کشف موضوع هر سوره باید با تدبر و توسل و عنایت‌های خاص خداوندی همراه باشد و در ادامه چکیده‌ای از تجربیات و تلاش‌های پیوندگان این طریق را - به تعبیر خود - گزینش و چینش کرده است. نکته مهمی که وی تذکر داده آن است که موضوع اصلی سوره‌ها «کشف کردنی» است نه «وضع کردنی» و هر مفسری نمی‌تواند به دلخواه موضوعی را برای یک سوره تبیین و آیات را به هر طریق ممکن بدان مرتبط کند؛ زیرا هر سوره از ابتدای نزول دارای موضوعی مشخص بوده است و مفسر باید با به‌کارگیری صحیح روش‌ها و همراه داشتن توفیق الهی در این مسیر توفیق حاصل کند. در این فصل بیش از دوازده روش و نشانه برای یافتن غرض اصلی سوره شناسانده شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بررسی سیاق سوره؛ توجه به نام سوره؛ دقت در آیات آغازین و پایانی سوره‌ها؛ عنایت به فضای نزول سوره و بررسی واژه‌های کلیدی سوره. مولف در هر یک از روش‌ها با ذکر اقوال مفسرانی که بر آن اساس عمل کرده‌اند، به ارزیابی آنها پرداخته است.

اما مجموع این سه فصل به مباحث و مبانی نظری ساختار هندسی سوره‌ها اختصاص داشت که همگی به مثابه مقدمه‌ای برای ورود به میدان عمل بود. نویسنده معتقد است آنچه تعیین‌کننده سرنوشت سوره است، توانایی و مهارت مفسر در تطبیق اصول علمی و نظری کشف غرض در مرحله عمل است. از این رو برای آن که چالش‌های عملی این مسیر مشخص شود، فصل چهارم کتاب به بررسی تلاش‌های مفسران در یافتن غرض سوره «ملک» اختصاص یافته و شش نظریه متفاوت در این باب شناسانده شده است. مولف در این فصل ضمن گزارش تلاش‌ها و نیز لغزش‌های مفسران در بیان موضوع اصلی این سوره، بر

خصوصاً از امین احسن اصلاحی یاد می‌کند که جدی‌تر از دیگران به این مسئله توجه نشان داده‌اند. از نگاه او، بی‌توجهی بسیاری از مفسران به مسئله ارتباط آیات و سوره موجب شده که مستشرقان و حتی برخی از مسلمانان به اشتباه گمان کنند که قرآن کتابی نامفهوم و نامسجم و از هم گسیخته است.

کتاب بیان النظم فی القرآن الکریم شامل بررسی ساختار سوره‌های ربع چهارم قرآن، از سوره غافر تا سوره ناس، است. مولف پس از پایان مکی یا مدنی بودن و ترتیب نزول هر سوره، مطالب مربوط به آن را تحت سه عنوان فرعی آورده است: ارتباط با سوره قبل؛ محور سوره؛ نظم در سوره.

ناگفته نماند که آثار دیگری با همین رویکرد به زبان عربی و فارسی به چاپ رسیده که به علت گذشت سالیان زیاد از انتشار آنها از معرفی تفصیلی آنها صرف نظر شده است؛ از جمله: تفسیر چهار جلدی نظم قرآن نوشته عبدالعلی بازرگان که از سوی انتشارات قلم (تهران) در ۱۳۷۲ منتشر شده است. همچنین کتابی نوشته دکتر عبدالله محمود شحاته، به ترجمه دکتر سیدمحمد باقر حجتی که با نام در آمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی (تهران ۱۳۶۹ ش) انتشار یافته است. گذشته از این، در دو سه سال اخیر کتاب‌هایی درباره ارتباط آیات و سوره و علم‌مناسبات منتشر شده که بخش‌هایی از آنها به موضوع حاضر اختصاص دارد. از جمله:

محمد عنایت الله اسد سبحانی، امعان النظر فی نظام الای والسور، عمان: دار عمار ۲۰۰۳، ۳۴۲ ص.

محمد علی ایازی، چهره پیوسته قرآن، تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰، ۲۲۴ ص.

حسن خرکانی، هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم، تهران: نشر قلمرو، ۱۳۸۰، ۲۷۲ ص.
بی نوشتارها:

1- Mustansir Mir, *Coherence in the Quran*, Indianapolis: American Trust Publication, 1986. 125pp.

2- idem, *The sura as a unity: a twentieth century development in Quran exegesis, Approaches to the Quran*, Ed.G.R. Hawting and Abdul-Kadar A shareef. London: Routledge 1993, pp 211-224.

نگارنده این سطور، این مقاله را در دست ترجمه دارد.

۳- قضایا اسلامیة: فکریة اسلامیة تصدراها موسسه الرسول الاعظم، قم العدد الثانی ۱۴۱۶/۱۹۹۵.

۴- برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار وی به پایگاه اینترنتی زیر مراجعه کنید:

www. Zein.org

آن‌بوده تا با استفاده از ابزارهای علمی روش صحیح تعیین موضوع اصلی را ارائه کند. در فصل پنجم سبک‌های نمایشی ساختار سوره‌ها آمده است. شش سبک رایج در نمایش ساختار سوره‌ها عبارت‌اند از: نمودار محتوایی؛ گزارش محتوایی، نمودار موضوعی؛ استدلالی؛ گزارش اجمالی؛ و نمودار درختی. در این فصل هر یک از این سبک‌ها به همراه صاحبان آنها معرفی شده و در هر مورد، نمودار یک سوره، به عنوان نمونه سبک مربوط، ترسیم شده است. در پایان کتاب، مولف این سبک را برای ارائه ساختار هر سوره از قرآن پیشنهاد کرده است. نخست به معرفی سوره و بیان ویژگی‌های آن از قبیل مکی یا مدنی بودن، فضای نزول و فضائل خواص سوره می‌پردازیم و سپس غرض سوره را با استناد به روش‌ها و ابزارهای ذکر شده کشف و آن را در یک جمله کوتاه ارائه می‌کنیم. پس از آن، ساختار درختی سوره ارائه می‌شود. سپس گزارشی از محتوای سوره را بر اساس فصل‌بندی‌های مشخص و مرتبط آغاز می‌کنیم. در ابتدای هر فصل عنوان کلی و آیات مرتبط ذکر می‌شود و ذیل آن به روند و سیر حرکت سوره در آن موضوع اشاره و روابط آیات با یکدیگر تبیین می‌شود تا خواننده گام به گام با سوره حرکت کند. حسن ختام این کتاب ارائه اهداف و مقاصد سوره قلم بر اساس سبک نمودار درختی است.

نظم و انسجام در سوره

بیان النظم فی القرآن الکریم

تألیف مهندس محمد فاروق فارس
زین کتابی دیگر در این زمینه است که انتشارات دارالفکر دمشق در ۲۰۰۳/۱۴۲۴ آن را عرضه کرده است. محمد فاروق زین مهندس مشاور راه و ساختمان، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه آمریکایی بیروت آغاز کرد و سپس برای تکمیل تحصیلات به دانشگاه میشیگان آمریکا رفت. وی در سال ۲۰۰۰ کتابی با نام المسيحية و



الاسلام و الاستشراق نوشت که در کشورهای عربی با استقبال خوبی مواجه شد و ترجمه آن به انگلیسی نیز در اروپا و آمریکا رواج یافت.^۴ مولف معتقد است ترتیب کنونی قرآن توقیفی و از جانب خداوند متعال است و این نظم و ترتیب متضمن دو نکته است: یکی اینکه هر سوره، چنانکه معنای لغوی آن نیز نشان می‌دهد، دارای محوری است که موضوع یا موضوعات آن بر گرد آن می‌چرخد: زیرا در غیر این صورت تقسیم قرآن به سوره‌های متعدد توجیهی نداشت و متن قرآن مجموعاً می‌توانست در قالب یک سوره باشد. دوم اینکه توقیفی بودن ترتیب سوره نیز موجب تأمل در ارتباط بین سوره‌های متوالی می‌شود. وی در میان مفسران سنتی از فخر رازی و آلوسی و بقاعی و درمیان معاصران